

**نویسنده :** اریک مارگلس (Eric Margolis).

**منبع و تاریخ نشر :** کمان دریم «03-10-2017».

**برگردان :** پوهند وی دوکتور سیدحسام «مل».

---

## کا بوس دوباره ویتنام

### The Vietnam Nightmar -Again

همسان و همانند ویتنام ؛ سعی و تلاش های اردو و غیرنظامیان ایالات متحده امریکا در افغانستان مخلوط زهری (سمی) از جهل عمیق و طغیان امپریالیستی میباشند.



اریک مارگلس می نویسد: روح امپراتوری هنوز هم درواشنگتن در میان کسانی که دنیای خارج را تاحال شناسایی نکرده اند و آزان درک درست ندارند گرم و داغ می سوزد.

بخش بزرگی از امریکایی ها از جمله شما واقعاً تا همین اکنون در حال تماشای سریال که در برنامه های تلویزیونی خدمات عمومی (PBS) در مورد ویتنام بدست نشر سپرده میشود میباشید این سریال بجای آنکه به توضیح عوامل مسببه درگیری های گپیچ کننده بپردازد در عوض این درباریان و همه کاران و اشنگتن اند که نرمک با داشتن انگیزه سرکوبگرانه به درگیریها و اختلافات شدید و وخیم دامن میزنند. راهپیمایی احمقانه ای که به خاطر ادامه جنگ در ویتنام صورت گرفت و اکنون که من آنرا در سریال تلویزیونی که توسط (PBS) پخش میشود می بینم و یا تماشا میکنم برای من بسیار دردناک و دشوار است چونکه در اوایل جنگ در ویتنام من در ارتش امریکا

بخاطر خدمت قرار گرفتیم؛ من در آنوقت به شدت از جنگ در ویتنام حمایت میکردم و من به صفت یک جوان گرم و وطنپرست و احساساتی با دیگر جوانان یکجا به شدت از جنگ حمایت میکردیم که اکنون تلویزیون (PBS) تصویر آن راهپیمایی که در خیابان شماره پنج شهر نیویارک صورت گرفته بود و من نیز در آن راهپیمایی با دیگران بودم تصویر آن راهپیمایی برایم آشنا پنداری (حالت پیش‌دیده حالتی از ذهن است که از آن فرد پس از دیدن آن صحنه احساس میکند که آن صحنه را قبلاً دیده است... از ویکی‌پدیا توسط این قلم) بود.

در آن زمان یعنی در سال (1967) جنگ سرد به شدت و در بلندترین قله‌های خود ادامه داشت و ما واقعاً معتقد بودیم که اگر ایالات متحده آمریکا موضع خود را در ویتنام از دست بدهد، شوروی‌ها و چینایی‌ها تمام آسیای جنوبی را سرزیر خواهد کرد. حال آنکه درواشنگتن به نظر نمی‌رسید کسی بداند و یا در این مورد فکر داشته باشد که چین و شوروی از هم منقسم و شدیدا دشمن سر یک دیگر خود هستند؛ همانطوریکه هوش انسانی برای ما همیشه بیگانه و چرکین بود و ما متوجه نشدیم و یا این درک و شناسایی را نداشتیم از اینکه ویتنام بعد از یک قرن تسلط استعمار فرانسه آزادی خود را بدست آورده و اکنون یک کشور مستقل می‌باشد و یا آنچه که در ویتنام اتفاق افتاده بود برای بقیه در جهان چندان اهمیتی نداشت.

باید به خاطر آورده شود که سه روسای جمهور ایالات متحده آمریکا کور کورانه و بدون کدام دلیل و برهان به این جنگ غلبه کردند و یا این جنگ تحمیلی را هرچه در توان داشتند طولانی‌ساختند و نمیتوانستند که از این جنگ فرسایشی عقب‌نشینی کنند و آنهم که مبادا در اثر شکست احساس حقارت کنند - من اکنون که آن صحنه‌ها را به یاد می‌آورم برای یک لحظه هم اعتقاد نمی‌کنم که همین **جان کیندی** (مقدس و پاکیزه طنبت) طرحی را بخاطر پایان دادن این جنگ برنامه‌ریزی کرده باشد اما با زهم اوتوسط نیروهای تاریک فکر و راستگرایان کشته شد همانطور که ادعا میشود به راستی که مرگ او یک افسانه‌جذاب بود که تاکنون در اذهان مردم باقی مانده است. **ریچارد نکسن، جان کیندی و لیندون جانسون** می‌توسیدند که اگر جنگ را در ویتنام توقف دهند و قوت‌های نظامی ایالات متحده آمریکا را از ویتنام خارج سازند در انتخابات ریاست‌جمهوری نا کام خواهند ماند و مقام ریاست‌جمهوری را بدست نخواهند آورد. چنانچه که جمهوریخواهان تا هنوز دندان می‌سایند که چرا چین را از دست دادند. جنگ هفده (17) ساله آمریکا در افغانستان شباهت‌های بینظیر به جنگ ویتنام دارد.

ایالات متحده آمریکا در هر دو کشور در فاصله‌های زمانی حکومت دست‌نشانده‌ای خود را نصب کرده و همین حکومت موجود در کابل یک حکومت دست‌نشانده‌ایالات متحده آمریکا می‌باشد هر دو حکومت دست‌نشانده به جز از منافع مشترک اقلیت

نخبگان به فکر واندیشه تا مین مانع همه مردم نبوده و هرگز نیستند این حکومت چه که در ویتنام بود و چه که امروز در کابل است غرق در فساد و دادرسی و تجارت مواد مخدره بوده و اند و با تکیه زدن به قدرت نظامی امریکا بالای مردم حکومت میکنند لذا به صراحت میتوان گفت که **سعی و تلاش های ارتش و افراد غیر نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان مخلوط سعی از جهل عمیق و طغیان امپریالیزم ایالات متحده امریکا میباشند.**

ارتش ایالات متحده امریکا از چندین سال قبل درک نموده بود ویا اینرا دانسته بود که جنگ را در افغانستان باخته اند اما استکباری که در سرشت حاکم در واشنگتن نهفته است نمیخواهند ویا نمیتوانند که شکست و تحقیر را قبول کنند و شکستی هم از دست قبایل کوهستانی و کوهنوردان افغانی که برای آزادی و استقلال خود می رزمند مواجه به شکست شوند. همانطوریکه واشنگتن در ویتنام نمیتوانست اعتراف کند که چریکهای جوان ویتنامی، افراد منظم نیروهای مسلح آموزش دیده ایالات متحده امریکا را با داشتن شجاعت و تاکتیک های هوشمندانه خود به زانو درآورد؛ و هیچکس در خارج از ویتنام این نگرانی را بخود راه نمیداد که در این جنگ (2-3) میلیون انسان غیر نظامی کشته میشوند ویا هرگز هیچکس نگران نشد که چرا در حدود (2-3) میلیون انسان در این جنگ بی مفهوم زندگی خود را از دست دادند.

متأسفانه که برنامه های تلویزیونی (PBS) نیز موفق نشد ویا نتوانست که غرور و جهل امپریالیستی واشنگتن را به بینندگان خود پخش و اشاعه کند و صریحاً وانمود سازد که این واشنگتن است که جنگ را تحمیل کرده است و از آرایه و اشاعه آن کاملاً چشم پوشی کرد و هنوز که هنوز است نیز چشم پوشی میکند. به همه اشکار است که واشنگتن همان برخورد و رفتار احمقانه ای را در پیش گرفته است انچنانیکه نیروهای جنگی و نظامی خود را بغرض جنگ و ادامه جنگ به سومالیا، افغانستان، عراق فرستاد و تا همین اکنون می فرستد و بعید از امکان هم نیست که در دومین جنگ کره که شاید از طرف امریکا بر کوریا تحمیل شود نظامیان خود را در آنجا به جنگ نه فرستد.

پس روح امپریالیستی واشنگتن در مغز و ذهن کسانی جا گرفته است که جهان خارج را نمی شناسند ویا از جهان درک درستی ندارند، درس ها و عبرت اندوزی های ناشی از این جنگها و از درگیری های گذشته را بفراموشی سپرده اند انچنانیکه میگویند حافظه جمعی واشنگتن محضاً برای مدت سه سال است و بس و بعد از آن هرچه را از یاد می برند و فراموش میکنند.

همانطوریکه سریال تلویزیونی (PBS) در نشرات خود ادعا کرده است که «ویتنام تراژیدی» نبود، اما محصول جیوپولیتیکی امپریالیستی بود، گفته ای که همین امروز در مورد شرق میانه همه جا نثار صدق میکند و بغرض فریب مردم با ز همان شعار معروف

احمقانه خود را سر میدهند که ما ویتنام ، عراق ، افغانستان و سوریه و... را بخاطر نا بود و ویران کردیم تا آنها را کمک کردیم که به آزادی واقعی خود دسترسی پیدا کنند و یا از خواب غفلت بیدار شوند.

یکی از بدترین چیزهای که در جنگ ویتنام رخ داده بود و از آن به ندرت یاد شده است آن است که حتی در اوج استقرار (550000) سربازان امریکایی در ویتنام شما را زیادی از این سربازان امریکایی توسط نیروهای واحدهای جنگی ویتنام شما لی نیست و نابود شدند.

و دلیل تلفات زیاد سربازان ایالات متحده امریکا در ویتنام توسط واحد های رزمی ویتنام شمالی از این قرار بود که تنها (50000) سربازان امریکایی در ویتنام علیه ویتنامی ها می جنگیدند و نیم میلیون دیگر از نیروهای امریکایی مصروف وظایف مثل تدارکات لجستیکی و اداری بودند که در پشت میز کار میکردند و تعداد دیگر آنها به وظایف از قبیل تاپستی ، آشپزی ، رانندگی موترهای کلان باربری ، روان شناسی و پیزه پزی ... مشغول کار بودند.

هما نظر که به ارتشی ها میگویند «دم به دندان بیش از حد نیست !» هرکس (منسوبین نیروهای جنگی ایالات متحده امریکا در ویتنام) برای شکر گذاری در نان شب گوشت فیل مرغ با سس توت قرمز اسیدی «ترشی=cranberry» صرف میکردند ، هلیکوپترها در خط مرزی پایگاه های نظامی شان قرار داشت ، نیروهای تفنگدار به تعداد کافی و بیشتر نبود تا که ارتش و جنگجویان ویتکانگ و نیروهای ویتنام شمالی را در دشواری و در تنگنا قرار دهند .

لازم به یادآوری است و آن اینکه جنگجویان ویتکانگی در ویتنام شمالی سلاح های نوع «M1945» به سایز «130» ملی متری ساخت شوروی را بدست داشتند که دشمن را در فاصله «27» کیلومتری تحت آتش قرار میداد و از پا درمی آورد و نسبت به سلاحهای سربازان ایالات متحده امریکا با قیمتی نده از توپخانه جنگ جهانی دوم بمراتب برتری داشت .

جنرال ها و سرلشکری های ضعیف النفس و ناتوان و افسران متوسط رتبه ، عدم رعایت انضباط و دسپلین نظامی ، بی اعتمادی و عدم اطمینان ، همه عواملی بود که تلاش های جنگی ایالات متحده امریکا در ویتنام تبدیل به آشفتگی میشود ؛ و آن اینکه حملات بدون قید و شرط و پلان شده بر سنگرهای دفاعی جنگجویان ویتنامی ها باعث تلفات زیاد سربازان امریکایی شده و مورال تمام نیروهای نظامی امریکایی را پایین می آورد که این خود زمینه شکست امریکا را در ویتنام مساعد ساخت .

به یاد باید ماند که سوؤمدیریت جنگ احمقانه ای به ریاست پنتاگون رابرت مک ناما را (Robert McNamara)، خودمحمورشناس ، و همه چیز فهم ؛ جنگ را در ویتنام

به یک شوخی غم انگیز تبدیل کرد و این تصمیم نادرست آن فرمانده بود همسان آنکه لویی پانزدهم (Louis xv) تمام مسولیت های نظامی فرانسه را به دوست دخترش **مادم دی پامپا دور (Madam de Pampadour)** محول نموده بود .

ما جنگ سر با زان ما را چه دروینتام و چه هم در ایالات متحده امریکا به استهزا گرفتیم که این خود کمک نمی کرد که می گفیم سر با زان ما سر سخت و سرکش هستند .

تهاجم تت (TET) مورخ (30) ماه جنوری سال « 1968 » جلوگیری از وقوع و توسعه جنگ را در برنا مه های ایالات متحده امریکا برای پیگیری در جنگ گذاشت تا جاییکه حتی دامنه جنگ را تا جنوب غربی چین نیز وسعت داد جنگ «تت» یک پیروزی نظامی برای ایالات متحده امریکا قبول شده چونکه در این تهاجم ( هزاران حمله توسط هواپیماهای بمب افکن سنگین «B-52» صورت گرفته بود ولی علیرغم تلفات سنگین که به دشمن وارد شد مگر باز هم پیروزی سیاسی و روانشناختی نصیب کمونیست ها شد از اینکه جنگ (تت) چه نوع تهاجم بود توضیح آن در ذیل از ویکی پدیا توسط این قلم گرفته شده است تا خواننده محترم از تهاجم «تت» آگاهی همه جانبه داشته باشد

**(حمله عبید تت (به ویتنامی: Sự kiện tết Mậu Thân) نامی است که به رشته ای از عملیات نظامی در جریان جنگ ویتنام داده شده است. این عملیات از ۳۰ ژانویه (مطابق با عبید تت یا سال نوی ویتنامی) ۱۹۶۸ آغاز شد و تا تابستان ۱۹۶۹ با شدت و ضعف در مناطق مختلف ویتنام جنوبی ادامه داشت.**

در این عملیات نیروهای **جبهه ملی آزادیبخش ویتنام جنوبی** یا **ویت کنگها** به نیروهای ویتنام جنوبی و آمریکایی حمله کردند. در **سایگون** این نیروها توانستند به داخل محوطه سفارت آمریکا نیز برسند. (منبعی وجود ندارد)

اگر چه این حمله ها از نظر نظامی موفقیت زیادی نداشت اما گسترده بودن و شدت آن و نیز پوشش خبری آن در سراسر جهان و بویژه در داخل آمریکا، افکار عمومی را بشدت بر ضد آمریکا بسیج کرد و تظاهرات ضد جنگ در آمریکا را به دنبال داشت).

من به شدت تا حال به یاد دارم که یک گروه از گذار شگران (نهاد خصوصی در ارتش امریکا) به ارتباط سربازخانه های مربوط به شرکت و کمپنی ما در این باره می گفتند : توصیه کردند که باید تمام نیرو های بویژه و خاصی را که از کمپنی ما تعیین کرده بودند به نقطه مرکزی و یا بهتر است گفته شود به خط مقدم در تهاجم تت فرستادن که این مدافعان همه سر به نیست شدند که بعد از آن شعار ارتشیان امریکایی چنین بود : زنده ماندن اجتناب از مبارزه و جنگ است و سیگار کشیدن چرس یعنی به اصطلاح عامیانه (سگرتی) کشیدن .

این جنگ در واقعیت امریکایی جنگ بی هدف و بیهوده ، ناخودآگاه و غیر منطقی و غیر واقعی بود چنانچه که همه سر با زان ما غیر واقعی بودن این جنگ را میدانستند که افسران ارشد و رهبران سیاسی همه دروغ میگویند تا جاییکه بسیاری از سر با زان در لبه ای شورش و تظاهر قرار گرفته بودند مثل شورش سربازانی که در سال (1917) در فرانسه صورت گرفت - بازگشت به آن روز های باستانی و قدیم گذشته و ما در انتظار آن بودیم که شاید رهبران سیاسی ما همچو آدم های راستگو و راستکار واقعیت را بمانند خواهند گفت ، ولی با زهم با تشکر از ویتنام که سیاستمداران ما را بعنوان اشخاص دروغگو و بی رحم و غیر قابل احترام بمانند افشا نمود .

این همان ابر تاریک و سیاه است که امروز به چشم میخورد و آن اینکه ما بخشی بزرگی از خاور میانه افغانستان ، و شمال پاکستان را بدون تفکر و تعمق تا نوی نابود و خاک یکسان کردیم - با این حال تعجب نمیکنم از اینکه چرا مردمان این سرزمین ها خراب شده از ما نفرت دارند و اکنون چنین به

نظر می آید که مردم کره شمالی به حد اعظمی از مانفرت و انزجار دارند که از هیچکس پوشیده و پنهان نیست .

نمایش مقاومت مردم در برابر واشنگتن موجب شد که حلقه های جنگ طلب واشنگتن به نیروهای هوایی خود هدایت دادند که توسط هواپیماهای (B52) بمب های با محتوی مواد زهری به رنگ نارنجی و بمب های ناپالم را بالای مردم بیدفاع پرتاب نماید بمب های حاوی مواد فسفوری که جان انسان و حیوان و نباتات را از ریشه از بین میبرد و سوزش آن تا استخوان میرسد .  
به رغم انگیزه امپراتوری ما ، تا زمانی که می میرد ؛ کابوس جنگ ویتنام که در آن جنگ بیش از (58000) سرباز امریکایی برای هیچ چیز جان خود را از دست دادند ، عمدتاً فراموش شده است ؛ بنابر این ماهم اکنون می توانیم همان اشتباهات مرگبار را بدون شرم و حیا و با تردید از فهم و شناخت دوباره تکرار کنیم .

### **چند سطر در مورد نویسنده مقاله :**

اریک اس مارگلس متخصص و برنده جایزه بین المللی است که مقالات او وقتاً فوقتاً در نیویارک تایمز هیراد تربیون ، بین المللی ، لاس انجلس تایمز ، تایمز لندن ، تایمز خلیج و تایمز گلب نشر میشود .

**با تقدیم احترامات «10-10-2017»**